Archive of SID

آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی کمال اسماعیل در ردیف

دکتر عطامحمّدرادمنش*

سپیده خلیلیان**

چکیده

کمال الدّین اسماعیل اصفهانی ملقّب به «خلّاق المعانی» از شاعران بزرگ قرن هفتم هجری است.وی در ردیف‌های اشعار خود به هنجار گریزی و نوآوری، روی آورده است.دراین پژوهش که به روش تحلیلی توصیفی انجام گردیده، کوشش شده است هنجار گریزی‌ها و نوآوری‌ها در قصائد و قطعات مصرّع وسایر قطعات این شاعر بررسی و تحلیل گردد.

تحقیق انجام شده مؤیّد این مطلب است که ردیف‌های فعلی بیشترین میزان را در بر می‌گیرد.وی هنجارشکنانه؛ زمان فعل ردیف را تغییر می‌دهد؛ دیگر بار ردیف را مثبت و منفی می‌کند.در برخی خود را به تکرار قافیه در مطلع مقیّد می‌کند یا به تفننی دیگر دست می‌یازد؛ بدین معنی که ردیف به تنهایی در برخی قطعات می‌آید و نیز برخی اشعار خود را به آوردن گونه ای از ردیف‌های صدری ابتدایی مزیّن کرده؛ بر نغمهٔ شعر می‌افزاید.هم معنی نبودن ردیف‌ها از موارد دیگری است که در این پژوهش به آنها پرداخته می‌شود.

کلید واژه‌ها: کمال اسماعیل، هنجار گریزی، وزن، ردیف، قافیه.

* استاد زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد. a_radmanesh@yahoo.com

** کارشناس ارشد زبان و ادبیّات فارسی s.khaliliyan.۶۳@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۷

www.SID.ir

Archive of SID

مقدّمه

کمال الدّین اسماعیل اصفهانی از قصیده سرایان بزرگ قرن هفتم هجری (۶۳۵-۵۶۸) و از گویندگان بزرگ سبک عراقی است.

«کمال الدّین اسماعیل را خلّاق المعانی می‌گویند چه در سخن او معانی دقیقه مضمر است که بعد از چند نوبت- که مطالعه رود – ظاهر می‌شود» (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۶۶: ۱۱۴-۱۱۳).

«وی علاوه بر باریک اندیشی و دقّت در خلق معانی در التزامات دشوار و تقیّد به آوردن ردیف‌های مشکل نیز شهرت دارد» (صفا، ۱۳۵۲: ج۲: ۸۷۴).

«ردیف[1] از عوامل مهمّ موسیقی شعر ودر حقیقت مکمّل موسیقی قافیه و موجب کمال شعر است.رویکرد به ردیف درآغاز شعر فارسی اندک بوده که رفته رفته رو به فزونی گذاشته است و شاعران، کاربرد آن را مایهٔ تفاخر دانسته اند» (رادمنش، ۱۳۹۰: ۳۳).

کمال در به کار گیری ردیف و نو آوری و تنوّع در آن استادی شایسته است؛ از همین روی از ۱۹۸ قصیده و قطعهٔ مصرّع وی ۴۴/۹۴٪ و از ۳۴۴ قطعهٔ او ۳۶/ ۵۴٪ آن مردّف است.از میان اشعار مردّف شاعر، ردیف‌های فعلی بیشترین میزان را در بر می‌گیرد.از میان قصائد و قطعات مصرّع ردیف‌های قیدی کمترین میزان و از بین قطعات مردّف ردیف‌های قیدی و حرفی کمترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند.او ردیف را محملی برای هنرنمایی و تصویرآفرینی و اظهار فضل خود دانسته است.وی علاوه بر اینکه ردیف را عنصری برای خلق معانی بدیعی قرار می‌دهد، آن را دست مایهٔ هنجار شکنی‌ها و سنّت شکنی‌ها قرار داده است و بدین گونه به خنیای آن افزوده است.گاه امتزاج ردیف و قافیه، کاربرد ردیف‌های غیر هم معنی، تغییر زمان ردیف، مثبت و منفی کردن ردیف، تکرار قافیه در مطلع، و رعایت ردیف به تنهایی در برخی قطعات جلوه می‌کند.

شیوهٔ پژوهش

در این پژوهش که به روش تحلیلی توصیفی صورت گرفته است؛ ابتدا مطلع هر یک از قصائد و قطعات مصرّع و قطعات مردّف یادداشت برداری و پس از آن هنجار شکنی‌ها و سنّت شکنی‌ها در

www.SID.ir

Archive of SID

آنها تجزیه و تحلیل شده است.گفتنی است که اگر ابیات دیگر از هر قطعه یا قصیدهٔ مردّف متضمّن این ویژگی‌ها هستند مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشینهٔ پژوهش

مطالعهٔ ردیف در اشعار شاعران دوره‌های مختلف ادب فارسی اهمّیّت دارد و می‌تواند رهگذری برای دریافت هنرنمایی و خلاقیّت آنها در اشعارشان باشد.یکی از مباحث مهمّی که حائز اهمّیّت ا ست ودر دیوان‌های گوناگون به آنها پرداخته شده است هنجار شکنی و سنّت شکنی هاییست که شاعران شعر خود را دست مایهٔ آن کرده‌اند.در مورد هنجار شکنی در قصائد و قطعات کمال اسماعیل تحقیق جداگانه صورت نگرفته است.تنها، «واعظ کاشفی سبزواری» در«بدایع الافکارفی صنایع الاشعار»، شفیعی کدنی در «موسیقی شعر»، «عفّت نقابی» در «معنی بیگانه» و «عطامحمّد رادمنش» در مقالهٔ «کمالِ جمالِ اصفهانی» به برخی از آنها ازجمله تغییر زمان فعل ردیف و مثبت و منفی کردن ردیف اشاره کرده‌اند.

بحث و بررسی

ساختار شکنی کمال اسماعیل در ردیف قصائد و قطعات، دیوان آن را خواندنی وبه اندیشه و کاوش می‌کشاند.باذکر ۷ مورد از این دست، همراه با تحلیل شواهد همسو با موضوع مقاله و عنوان‌ها، پرداخته می‌شود.

امتزاج ردیف و قافیه

کمال اسماعیل گاه ردیف و قافیه را در هم می‌آمیزد؛ برخی این شیوه را ناپسند و گروهی از متأخّران آن را لطیف می‌شمارند[۲]:

چنانکه در مطلع قصیدهٔ زیر دیده می‌شود کلمهٔ «برگشت» در مصرع دوّم مطلع هم قافیه است و هم

www.SID.ir

Archive of SID

بخشی از ردیف:

مپرس کز تو چگونه شکسته‌دل برگشت مه چهارده چون با رخت برابر گشت

(کمال الدّین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۵۵۱۳)

شاعر در قطعهٔ مصرّع زیربار دیگر ردیف و قافیه را با هم آمیخته است.در همهٔ بیت‌ها ردیف «دربند» و کلمات قافیه، «دهن، خویشتن، رسن» آمده است.امّا درمصرع دوّم بیت دوّم قافیه و ردیف در هم آمیخته است.یعنی «اندر» هم قافیه است و بخشی از ردیف.

رمضانست هین دهن دربند در دوزخ به خویشتن در بند

(۹۵۲۴)

روزه‌دار آن بود که شرع کند حس و وهم و خیالش اندر بند

رسنی محکمست قرآنت خویشتن را بدان رسن در بند

(۹۵۲۹-۹۵۳۰)

- در بیت دوّم قطعهٔ زیر بار دیگرردیف و قافیه با هم آمیخته است؛ یعنی کلمه «یارا» هم قافیه است و هم بخشی از ردیف.

ای که بر خدمت تو کردم وقف هم نهان خود و هم پیدا را

چرخ را یک حرکت در همه عمر برخلاف تو نباشد یارا

(۱۰۰۲۲-۱۰۰۲۳)

و نیز در ادامه، شاعر در بیت زیر بار دیگر این فن را به کار برده است:

ریزه ریزه شدی از زخم کدین پوششم گر نبدی جز خارا

(۱۰۰۳۲)

چنانکه ملاحظه شد، در بیت بالا واژهٔ «خارا» قافیه و بخشی از ردیف است.این قطعه با ردیف «را» و قافیه‌های «تنها و اینها» به پایان می‌رسد.

و گر این حرمان کاریست که خاص اوفتادست من تنها را

سیم شوینده و کوبنده بده تا ز سر باز کنم اینها را

(۱۰۰۳۳-۱۰۰۳۴)

خسروا نکته‌ای ز من بشنو تا تو باشی ز ملک برخوردار

www.SID.ir

Archive of SID

مملکت راست چون ترازوییست دائم از عدل خود معیّردار
یک سرش آهنست و یک سر زر هر دو برجای خود مقرّر دار
لطف و عنف است زر و آهن او هر دو با یکدگر برابر دار
(۱۱۴۱۰-۱۱۴۱۳)

چنان که ملاحظه می‌شود، در همهٔ بیت‌ها ردیف «دار» و کلمات قافیه «معیّر، مقرر، برابر» آمده است.اما در بیت نخست قافیه و ردیف درهم می‌آمیزد.یعنی «برخوردار» هم قافیه است و بخشی از ردیف.

تغییر زمان فعل ردیف

شفیعی کدکنی می‌گوید: «در دیوان کمال اسماعیل اصفهانی نیز در این قصیده ردیف از ماضی به مضارع بدل شده....وتا پایان قصیده ردیف را به صورت «می آید» آورده است و این خود کوششی بوده است برای رهایی از تسلّط ردیف‌ها اگر چه مجالیست برای آزادی بیشتر از قید ردیف‌ها ودر عین حال استفاده از موسیقی خاص ردیف ها» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۱۴۷-۱۴۶).

سپیده دم که نسیم بهار می‌آمد نگاه کردم و دیدم که یار می‌آمد
چو برگ گل که به باد صبا درآویزد به بادپای روان بر سوار می‌آمد
(۳۶۵۹-۳۶۶۰)

مساعی تو در ابطال عمر فرسایی خلاف قاعدهٔ روزگار می‌آید
(۳۶۸۸)

تویی که کام دل آرزو ز فیض کفت به خلق بی‌جگر و انتظار می‌آید
(۳۸۸۹)

ردیف‌های غیر هم معنی

«بیشتر علمای بلاغت به هم معنی بودن ردیف اشاره کرده‌اند، از جمله شمس قیس رازی، بی تا: ۲۶۰، نجفقلی میرزا، ۱۳۵۵: ۹۴-۹۳؛ امّا برخی دیگر همچون خواجه نصیر طوسی، ۱۳۶۹: ۱۴۹و

www.SID.ir

Archive of SID

شمس الدّین محمّد آملی، ۱۳۷۷: ۱۶۵-۱۶۴ هم معنی بودن ردیف را لازم نشمرده‌اند و اعتبار را در لفظ می‌دانند نه در معنی» (رادمنش، ۱۳۹۰: ۴۸)

صاحب براهین العجم می‌گوید: «تغییر معنی را گاهی روا می‌دارند؛ امّا پسندیده نباشد»(سپهر، ۱۳۶۸: ۲۳-۲۲).

کمال اسماعیل اشعاری دارد که ردیف‌های غیر هم معنی آنها از لحاظ دستوری شامل اسم، فعل و حرف می‌شود:

ردیف‌های غیر هم معنی فعلی

کمال اسماعیل در قطعهٔ زیر «شد» رادردو بیت اوّل به صورت فعل تام و در دو بیت آخر به صورت فعل ربطی به معنی «رفت» آورده است.

ای سرافراز که هر جای که صاحب نظری است　　خاک پایت را از دیده و دل چاکر شد
آفتابست که عالی نظر آمد بنگر　　که چه از حرص زمین بوس تو مستشهر شد
(۴۵۶۲-۴۵۶۳)

گشت ادرار سرشکم ز ره دیده روان　　کان نظر از چه یکی نیمه به آب اندر شد
(۴۵۷۵)

می‌دود هم ز قفای نظرم چشم حسود　　کار او از نظرت گرچه به گردون بر شد
(۴۵۸۵)

در قطعهٔ مصرّع زیر«باد» در بیت اوّل به صورت فعل دعایی و در بیت دوّم به صورت اسم به کار رفته است.

جهان پناها سال نوت همایون باد　　کمال عدل تو معمار ربع مسکون باد
(۹۶۵۹)

به حلّ عقدهٔ رأس و ذنب گر آری روی　　به دست فکر تو آسان شده هم اکنون باد
(۹۹۶۴)

شاعر در قطعهٔ زیر، «ام» را در مصرع اوّل به صورت فعل ربطی و در مصرع دوّم به صورت فعل کمکی آورده است.

www.SID.ir

Archive of SID

شمس الدّین محمّد آملی، ۱۳۷۷: ۱۶۵-۱۶۴ هم معنی بودن ردیف را لازم نشمرده‌اند و اعتبار را در لفظ می‌دانند نه در معنی» (رادمنش، ۱۳۹۰: ۴۸)

صاحب براهین العجم می‌گوید: «تغییر معنی را گاهی روا می‌دارند؛ امّا پسندیده نباشد»(سپهر، ۱۳۶۸: ۲۳-۲۲).

کمال اسماعیل اشعاری دارد که ردیف‌های غیر هم معنی آنها از لحاظ دستوری شامل اسم، فعل و حرف می‌شود:

ردیف‌های غیر هم معنی فعلی

کمال اسماعیل در قطعهٔ زیر «شد» رادردو بیت اوّل به صورت فعل تام و در دو بیت آخر به صورت فعل ربطی به معنی «رفت» آورده است.

ای سرافراز که هر جای که صاحب نظری است　　خاک پایت را از دیده و دل چاکر شد
آفتابست که عالی نظر آمد بنگر　　که چه از حرص زمین بوس تو مستشهر شد
(۴۵۶۲-۴۵۶۳)

گشت ادرار سرشکم ز ره دیده روان　　کان نظر از چه یکی نیمه به آب اندر شد
(۴۵۷۵)

می‌دود هم ز قفای نظرم چشم حسود　　کار او از نظرت گرچه به گردون بر شد
(۴۵۸۵)

در قطعهٔ مصرّع زیر«باد» در بیت اوّل به صورت فعل دعایی و در بیت دوّم به صورت اسم به کار رفته است.

جهان پناها سال نوت همایون باد　　کمال عدل تو معمار ربع مسکون باد
(۹۶۵۹)

به حلّ عقدهٔ رأس و ذنب گر آری روی　　به دست فکر تو آسان شده هم اکنون باد
(۹۹۶۴)

شاعر در قطعهٔ زیر، «ام» را در مصرع اوّل به صورت فعل ربطی و در مصرع دوّم به صورت فعل کمکی آورده است.

www.SID.ir

Archive of SID

صـدرا اگرچـه تـو زمـن آزاد و فـارغی آری خبـر کـه بنـده‌ام و بنـده زاده‌ام
افتـاده بـر گـرفتن، از اقسـام سروریسـت برگیـر پـس مـرا کـه بـدین سـان فتـاده‌ام
(۹۷۹۹-۹۸۰۰)

همچنین در بیت‌های دیگر این قطعه، این فعل به صورت فعل معین (کمکی) به کار رفته است.

یکبـاره در مبنـد در لطـف مردمـی کـاخر دهـان بـه مـدح تـو روزی گشـاده‌ام
بغنـود مـرغ و مـاهی و نغنـود چشـم مـن شـبها کـه مـن عـرایس مـدح تـو زاده‌ام
(۹۸۰۱-۹۸۰۲)

از بـیم آنکـه شـادی دشـمن فـزون شـود بـر عجـز خـویش نـام قناعـت نهـاده‌ام
(۹۸۰۷)

عزل و عمل چو از تو بود هر دو منصب است لـیکن بیـا ببـین کـه کجـا ایسـتاده‌ام
(۹۸۰۹)

نیـز ر.ک: ۲۸۶/ ۴۸۰۷، ۴۸۱۵/۲۸۶، ۴۸۲۴/۲۸۷، ۵۵۱۳/۳۲۶، ۵۵۱۴/۳۲۶، ۵۵۲۲/۳۲۷، ۵۵۳۸/۳۲۷، ۵۵۵۴/۳۲۸، ۳۲۹ /۵۵۶۳، ۹۴۷۰/۵۵۹، ۹۵۶۸/۵۶۵، ۹۵۸۱/۵۶۵، ۹۵۸۳/۵۶۵، ۱۰۲۷۴-۱۰۲۷۵/۶۰۸، ۱۰۲۷۶/۶۰۸، ۱۰۲۷۹/۶۰۸، ۱۰۲۸۳/۶۰۸، ۱۰۲۸۴/۶۰۸، ۱۱۰۳۳-۱۱۰۳۴/۶۵۸

ردیف‌های غیر هم معنی حرفی

در قطعهٔ زیر «را»دربیت اوّل فکّ اضافه است.اما دردو بیت بعد حرف اضافه است:

ای آفتـاب ملـک کـه تـا دامـن ابـد بـر تـو مبـاد دسـت کسـوف و زوال را
فرزانـه قطـب دیـن کـه ببوسـند خـاک تـو خورشـید و مـه زیـادت حسـن وجمـال را
(۶۶۰۷-۶۶۰۸)

در حضـرت تـو عـرض سـخن ریـزه کـرده‌ام نـز روی امتـداد ولـی امتثـال را
(۶۶۲۹)

www.SID.ir

Archive of SID

ردیف‌های غیر هم معنی و متفاوت از لحاظ دستوری

در قصیدهٔ مصرّع زیرکلمهٔ «پرده» به معنی اصلی و مشهور خود به کار رفته است.و در مصراع دوّم به معنی «سرادق» آمده است.امّا در ابیات دیگر به معنی «پردهٔ موسیقی» به کار رفته است.

زهی ز سنبل تر کرده لاله را پرده　　بر آسمان زده عکس رخت سراپرده
(۱۷۱۲)

هم از رسیلی صیت تو عاجزست ار چه　　نکو شناسد آواز از صدا پرده
(۱۷۳۳)

مرا چو خانهٔ طنبور، خانه بی‌برگشت　　فرو گذاشته به، بر چنین نوا پرده
(۱۷۴۶)

در مطلع قطعهٔ زیر «سیر» بخش معنایی(فعلیار) فعل مرکّب است امّا در بیت دوّم نقش دستوری تمیز را می‌پذیرد.شاعر در بیت سوّم، این واژه را در نقش صفت می‌آورد و در بیت آخر نقش قید را دارد.

ای نکرده به عهد خویش از بخل　　شکم یک گرسنه از نان سیر
زین تغاین که نان همی خاید　　بینمت سال و مه ز دندان سیر
(۱۱۲۷۰-۱۱۲۷۱)

به سفر می‌روی برو که شدند　　از وجودت همه سپاهان سیر
(۱۱۲۷۶)

اجل و چاه و گرگ در راهند　　رو ببین روی خویش و یاران سیر
(۱۱۲۷۷)

ردیف‌های صدری ابتدایی

«گاهی التزام کلمات مکرّر در آغاز مصراع اوّل است که ما آن راردیف «صدری» و یا در آغاز مصراع دوّم است که آن را ردیف ابتدایی نامیده ایم و یا در میانهٔ مصراع هاست که آن را ردیف حشوی و یا در آغاز هر دو مصراع است که آن را صدری- ابتدایی نام نهاده ایم» (رادمنش، ۱۳۸۵: ۴۳).

www.SID.ir

Archive of SID

در قطعهٔ زیرردیف گونهٔصدری «وان» و ردیف‌های ابتدایی «نیست الّا» و طنین برخاسته از آنها علاوه بر ردیف اصلی «خواجه فلان» دلکش و زیباست.

آن که از سحت نشد هرگز سیر نیست الّا شکم خواجه فلان
وان که برخیر نشد هرگز چیز نیست الّا قلم خواجه فلان
وان که روی از نظر کس ننهفت نیست الّا حرم خواجه فلان
وان که چشم طمعش نقش ندید نیست الّادرم خواجه فلان

(۱۱۲۲۱-۱۱۲۲۴)

نوع دیگر از ردیف گونهٔ صدری ابتدایی در قصیدهٔ زیر دیده می‌شود.ردیف‌های صدری ابتدایی «سلامی» موسیقی شعر را دلنشین می‌کند.هر چند ردیف ابتدایی تنها در دو بیت اوّل تکرار شده است، امّا موسیقی شعر را دوچندان می‌کند.شاعر در میان قصیده، ردیف صدری و ابتدایی را تغییر می‌دهد و آن را به «برآن» تبدیل می‌کند و به همان صورت می‌آورد.

سلام علیک ای بزرگ جهان سلامی ز خورشید و سایه نهان
سلامی نه بر پشت باد هوا سلامی نه بر دست گوش و زبان
سلامی چو دوشیزگان بهشت کشیده تن از صحبت انس و جان
سلامی که نبود بر اطراف او ز صوت و حروف تقطّع نشان
سلامی منزّه حواشی او ز آلایش نقش کلک و بنان

(۶۰۰۳-۶۰۰۷)

بر آن طلعت و فرّه ایزدی بر آن خاطر و فکرت غیب دان
بر آن روی و رای و بر آن عزم و جزم بر آن فر و زیب و بر آن شکل و سان
بر آن قد و بالا که بر اخمصش بود بوسه جای لب فرقدان
بر آن رای روشن که خورشید از او سیه روی چون سایه شد جاودان
بر آن حلم ثابت که در جنب اوست سبک سار و بی سنگ کوه گران

(۶۰۳۰-۶۰۳۴)

www.SID.ir

Archive of SID

ردیف‌های صدری تا بیت سی و سوم قصیده ادامه می‌یابد و بدین ترتیب قصیده پایان می‌یابد.

تکرار قافیه در مطلع

شاعر در مطلع قصیدهٔ زیر «نازنین» را به عنوان قافیه تکرار کرده است.

بـر خـیّ آن دو عـارض وآن زلـف نـازنین　　جـان مـن ار چـه نیسـت بـدین حـال نـازنین
چون حلقه بر درم ز وصالش که سـال و مـاه　　در بند سیم و زر بـود آن لعـل چـون نگـین
(۲۳۹۱-۲۳۹۲)

و نیز در بیت اوّل مطلع قطعهٔ مصرّع زیر«عبّادان» به عنوان قافیه تکرار شده است.

صـــدر غمّـــاز مجـــد عبّـــادان　　قریـــهٔ مـــن وراء عبّـــادان
کـــژ و خـــون ریـــز در دهـــانش زبـــان　　راســـت ماننـــد نـــیش فصّـــادان
(۷۵۵۳-۷۵۵۴)

در مطلع قصیدهٔزیرواژهٔ «قلم » به عنوان قافیه تکرار شده است و از نظام عدول کرده است.

دســت آن بــه کــه خــود قلــم باشــد　　کــش ســر و کــار بــا قلــم باشــد
(۸۳۳۹)

امّا ابیات بعد تنها با ردیف« باشد»ادامه می‌یابد و قافیه متنوّع می‌گردد.

خــود ز کاغــذ ســزد لبــاس کســی　　کــو ســیه روی چــون خطــم باشــد
رسـته بـادی ز هـر غمـی و تـو را　　بـا چنـان طبـع خـود چـه غـم باشـد؟
(۸۳۶۴-۸۳۶۵)

رعایت ردیف بدون قافیه

در قطعهٔ زیر کلمهٔ «شعر» ردیف است و شعر مقفّی نیست وتا آخر چنین است.

بزرگـــا ســـرورا از روی انعـــام　　بـه بخشـش فـرق کـن نیـک و بـد شـعر
چـــو نـــدهی کاغـــذ زر شـــاعران را　　بـــده آخـــر بهـــای کاغـــذ شـــعر
(۷۵۸۲-۷۵۸۳)

www.SID.ir

Archive of SID

هم چنین شاعر در قطعهٔ زیر بار دیگر قافیه را نمی‌آورد و به آوردن ردیف بسنده می‌کند.او کلمهٔ «شکرست»را ردیف قرار می‌دهد و قافیه را رعایت نمی‌کند و تا پایان چنین است.

ایا صدری که مغز اهل معنی ز جام جود تو در بحر شکرست
ز توضیح تو ما را پای تا سر چو توقیعت غریق حمد و شکرست

(۱۱۱۹۳-۱۱۱۹۴)

مثبت و منفی کردن ردیف[۳]

گاهی شاعران ردیف مثبت را منفی کرده‌اند امّا این امر از غنای موسیقایی شعرشان نمی‌کاهد.از میان آنها می‌توان به ادیب صابر[۴] و کمال اسماعیل اشاره کرد.خلاّق المعانی می‌گوید:

کسی که او نظر عقل در زمانه کند چنان سزد که همه کار عاقلانه کند
بر آنچه خاطر موری از او بیازارد اگر خود آب حیاتست از آن کرانه کند
قناعتست و مروّت نشان آزادی نخست خانهٔ دل وقف این دوگانه کند

(۱۱۴۸۸-۱۱۴۹۰)

امّا شاعر در بیت بعد قافیه وردیف را تغییر می‌دهد.او به ناچار برای حفظ قالب قصیده و جنبهٔ موسیقایی آن ردیف رامثبت می کندو در اثنای شعر، آن را منفی می‌کند.و با مثبت کردن ردیف، قصیده ادامه می‌یابد.

کسی که صحبت امن و کفایتی دارد سعادت ابدی را طلب چرا نکند؟

(۱۱۴۹۹)

سرای خویشتن ار آدمی وطن سازد ز شاخ سدره و طوبیش آستانه کند
اگرچه کار عمارت طریق دانش نیست علی الخصوص کسی کاندرین زمانه کند

(۱۱۵۰۰-۱۱۵۰۱)

www.SID.ir

Archive of SID

نتیجه‌گیری

کمال اسماعیل در برخی قصائد و قطعاتش به سنّت شکنی‌ها و نو آوری هایی دست یازیده است.وی گاهی ردیف و قافیه را با یکدیگر آمیخته است و در مواردی ردیف‌ها را هم معنی نمی‌آورد.اشعار کمال اسماعیل گاهی دست مایهٔ بدعت‌ها یی است که می‌توان به تغییر زمان فعل ردیف و مثبت و منفی کردن آن اشاره کرد.هم چنین گونه هایی از ردیف‌های صدری ابتدایی در اشعار وی یافت می‌شود.کمال، در برخی اشعارش قافیه را در مطلع تکرار می‌کند و در مواردی تنها ردیف را بدون رعایت قافیه در شعر خود می‌آورد.

پی‌نوشت‌ها

*پس از این در ارجاع به دیوان کمال اسماعیل برای اختصار به ذکر صفحه بسنده می‌شود و اساس کار دیوان تصحیح حسین بحرالعلومی است.

۱.ردیف، حروفی یا کلماتی که بعد از رویّ موصول یا غیرموصول مکرّر شود در همهٔ قوافی، و اعتبار در وی تکرار الفاظ است و به معنی، اعتبار نیست (نصیرالدّین طوسی، ۱۳۶۹: ۱۴۹)؛ از میان تعاریفی که از ردیف شده، این تعریف جامع تر است.

۲.امتزاج در لغت آمیختن است؛ و در اصطلاح، آن است که ردیف و قافیه را به هم ممتزج سازد.است که ، گفته می‌شود (واعظ کاشفی، ۱۳۶۹: ۱۹۳)؛ امتزاج ردیف و قافیه را مستحسن نداشته‌اند....لاجرم بعضی متأخّران این عمل را صنعتی می‌شمارند و لطیفه‌ای می‌نهند(شمس قیس رازی، بی تا: ۲۶۱-۲۶۰).برخی از معاصران آن را از عیوب قافیه شمرده اند: « دیگر از عیوب غیر ملقّبهٔ قافیه [قافیهٔ معمولی یا معموله] آنکه قسمتی از کلمه را به جای قافیه نهند و قسمت دیگر را به جای ردیف» (شاه حسینی، ۱۳۶۸: ۱۸۲).

۳.مثبت ومنفی کردن ردیف یکی از موارد آشنایی زدایی و هنجارگریزی است که شفیعی کدکنی در کتاب موسیقی شعر خود شاهدی از ادیب صابر را برای آن می‌آورد و متذکّر می‌شود که کمال اسماعیل نیز در شعر خود این فن را به کار برده است نگارنده شاهد مذکوررا از دیوان کمال اسماعیل چاپ حسین بحر العلومی در این مقاله آورده است.

۴.شفیعی کدکنی قطعه ای از ادیب صابر را در کتاب خود از چاپ قویمی می‌آورد:

www.SID.ir

Archive of SID

نیست ممکن به وصال تو رسد کس به شتاب چه کنم صبر کنم تا به مدارا برسد
وعدهٔ بوسه ز امروز به فردا فکنی وای من گر نرسد بوسه و فردا برسد
بوسه‌ای را لبت از من به دلی قانع نیست قصد جان کرد به مقصود رسد یا نرسد
این چنین عشق که من دارم از آن لب که تراست هیچ شک نیست که این کاربدانجا نرسد

او می‌گوید: «می‌بینیم در دو بیت اوّل ردیف مثبت است ودردو بیت بعد ردیف را منفی آورده اگر چه این قطعه را در دیوان ادیب، چاپ ناصح، با علامت از یکدیگر جدا کرده‌اند ولی کار درستی نیست زیرا پشت سر هم بودن در کتاب و اشتراک شکلی ردیف و اشتراک قافیه و از همه مهم تر پیوستگی مضمون شعر خود دلیل اینست که این یک قطعه است و شاعر در آن بدعتی به خرج داده است واز تسلّط معنوی ردیف تا حدی گریخته است امّا جنبهٔ موسیقایی آن را حفظ کرده است و این را باید هنری دانست نه عیبی» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۱۴۶). گفتنی است که این قطعهٔ ادیب صابر با این فن که شفیعی کدکنی آن را از چاپ قویمی در کتاب خود آورده است نگارنده آن را در چاپ احمدرضا یلمه‌ها مشاهده نکرده است.

کتاب‌نامه

- ادیب صابر ترمذی، (۱۳۸۵)، دیوان ادیب صابر ترمذی، به تصحیح احمد رضا یلمه‌ها ، تهران: انتشارات نیک خرد.
- دولتشاه سمرقندی، (۱۳۶۶)، تذکره الشّعرا، به تصحیح محمّد رمضانی، تهران: پدیده.
- رادمنش، عطا محمّد، (۱۳۸۵)، تحوّل و سیر ردیف در سبک خراسانی، اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاداسلامی واحد نجف آباد.
- .....، بهار (۱۳۹۰)، «هنجار گریزی مولوی در ردیف غزل»، مجلّهٔ پژوهش‌های زبان و ادب فارسی، سال سوّم، شمارهٔ ۱، ص۵۴-۳۳.
- سپهر، محمّد تقی، (۱۳۶۸)، براهین العجم، با حواشی و تعلیقات سیّد جعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

www.SID.ir

Archive of SID

- شاه حسینی، ناصرالدّین، (۱۳۶۸)، شناخت شعر، تهران: نشر هما.
- شمس قیس رازی بی تا، المعجم فی معاییر اشعار العجم، تصحیح محمّد قزوینی، با مقابله و تصحیح مدرّس رضوی، تهران: انتشارات کتابفروشی تهران.
- شفیعی کدکنی، محمّد رضا، (۱۳۶۸)، موسیقی شعر، تهران: آگاه.
- صفا، ذبیح اللّه، (۱۳۵۲)، تاریخ ادبیّات در ایران، ج دوّم، تهران: ابن سینا.
- غیاث الدّین محمّدرامپوری، (۱۳۷۵)، غیاث اللّغات ، به کوشش منصورثروت، تهران: امیرکبیر.
- کمال الدّین اسماعیل اصفهانی، (۱۳۴۸)، دیوان، تصحیح حسین بحرالعلومی، تهران: کتابفروشی دهخدا.
- نصیرالدّین طوسی، (۱۳۶۹)، معیار الاشعار، با تصحیح و اهتمام جلیل تجلیل، تهران: نشر جامی و انتشارات ناهید.
- واعظ کاشفی سبزواری، کمال الدّین حسین، (۱۳۶۹)، بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، ویراسته و گزارهٔ میر جلال الدّین کزّازی، تهران: نشر مرکز.

www.SID.ir